

هدف #۴

شما متصور شده اید تا خدا را خدمت کنید

"ما فقط خدمتگزاران خدا هستیم و هر یک عطا و خدمت خاصی داریم... خدمت من این بود که بذر کلام خدا را در قلبهای شما بکارم، و خدمت اپلس این بود که آن را آبیاری کند. اما این خدا بود که باعث رشد آن در قلبهای شما گردید." (اول قرنتیان ۳: ۵-۶)

(فصل بیست و نهم)

پذیرش تکلیفتان

"این خداست که ما را از نو آفریده و این زندگی جدید را از فیض وجود عیسی مسیح به ما داده است؛ و از زمانهای دور دست، نقشه خدا این بوده که ما این زندگی جدید را صرف خدمت به دیگران نماییم." (افسیان ۲: ۱۰)

"بر روی زمین آنچه را که به من محول کرده بودی، انجام دادم تا باعث بزرگی و جلال تو شوم." (یوحنا ۱۷: ۴)

شما بر زمین قرار دارید تا سهمی در آن داشته باشید.

شما فقط برای مصرف منابع، آفریده نشده اید، تا بخورید، نفس بکشید، و فضایی را اشغال کنید. خدا شما را طراحی کرده که با زندگیتان فرقی ایجاد کنید. در حالیکه بسیاری از کتابهای پر فروش سعی می کنند به شما نصیحتی بکنند که چگونه بهترین ها را از زندگیتان کسب کنید، این هدفی نیست که خدا شما را برای آن ساخته است. شما آفریده شده اید که به حیات زمین چیزی اضافه کنید و نه اینکه فقط از آن استفاده کنید. خدا از شما می خواهد چیزی را برگردانید. این هدف چهارم خدا برای زندگیتان است، و این هدف "خدمت" یا کار شما نامیده شده. کتاب مقدس جزئیات این مسئله را روشن می کند.

شما آفریده شده اید تا خدا را خدمت کنید. کتاب مقدس می فرماید: "زیرا ساخته دست خدایم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کارهای نیک انجام دهیم، کارهایی که خدا از پیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم." (افسیان ۲: ۱۰) این "کارهای نیک" خدمت شما هستند. هرگاه دیگران را به هر طریقی خدمت می کنید، در واقع خدا را خدمت می کنید (کولسیان ۳: ۲۳-۲۴؛ متی ۲۵: ۳۴-۴۵؛ افسسیان ۶: ۷) و یکی از هدفایتان را به کمال می رسانید. در دو فصل آینده خواهید دید که چگونه خدا شما را با دقت برای این هدف شکل داده. آنچه خدا به ارمیاء گفت در مورد شما نیز صدق می کند: "قبل از آنکه تو را در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدنت از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امتهای قرار دادم." (ارمیا ۱: ۵) شما بر این سیاره برای تکلیف بخصوصی قرار داده شده اید.

شما نجات یافته اید تا خدا را خدمت کنید. کتاب مقدس می فرماید: "این خداست که ما را نجات داد و برای خدمت خود برگزید، نه به دلیل لیاقت ما، بلکه بسبب اینکه پیش از آفرینش جهان اراده فرموده بود لطف و محبت خود را بوسیله عیسی مسیح به ما نشان دهد." (دوم تیموتائوس ۱: ۹) خدا شما را نجات داد تا شما "کار مقدس" او را انجام دهید. شما با خدمت کردن نجات نیافته اید، بلکه برای خدمت کردن نجات یافته اید. شما در ملکوت خدا جایی دارید و هدفی دارید و نیز نقش و وظیفه ای دارید که باید به اتمام برسانید. و این به زندگی شما ارزش و اهمیت بزرگی می بخشد.

نجات شما به قیمت فدای جان مسیح تمام شد. کتاب مقدس به ما یاد آور می شود که: "به بهایی گران خریده شده اید، پس خدا را بر بدن خود تجلیل کنید." (اول قرنتیان ۶: ۲۰) ما خدا را بخاطر احساس تقصیر یا ترس یا حتی انجام وظیفه خدمت نمی کنیم بلکه با شادی و قدردانی عمیق قلبی برای آنچه او بخاطر ما انجام داده است. ما زندگیمای خود را مدیون او هستیم. توسط نجات، گذشته ما بخشیده شده و به زمان حاضر ما معنا بخشیده شده و امنیت آینده ما تضمین شده است. و پولس رسول در نور این همه فوائد عالی نتیجه می گیرد: "در مقابل این لطف و رحمت خدا، التماس می کنم که بدنهای خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید، زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست. شایسته است او را این چنین عبادت و خدمت کنید." (رومیان ۱۲: ۱)

یوحنا رسول تعلیم داد که خدمت محبتانه ما به دیگران ثابت می کند که ما حقیقتاً "نجات یافته ایم." او گفت: "ما می دانیم که از مرگ به زندگی منتقل شده ایم، زیرا برادران را محبت می کنیم." (اول یوحنا ۳: ۱۴) اگر من محبتی نسبت به دیگران نداشتم، و هیچ اشتیاقی به خدمت به دیگران نیز نداشتم و تنها چیزی که مورد توجه من بود نیازهایم بود، می بایست از خود سؤال می کردم که آیا مسیح واقعاً در زندگیم وجود دارد. قلب نجات یافته، قلبی است که می خواهد خدمت کند.

واژه دیگری که برای کار کردن برای خدا استفاده می شود و توسط بسیاری از مردم اشتباه درک شده، کلمه "خدمت" می باشد. وقتی اکثر مردم کلمه "خدمت" را می شنوند، آنها فوراً به یاد شبانان، کشیشان، و روحانیون حرفه ای می افتند، اما خدا می فرماید هر عضو خانواده او یک "خادم" می باشد. در کتاب مقدس کلمه غلام و خادم، مانند کار و خدمت هم معنی و مترادف هم هستند. اگر یک مسیحی هستید، پس خادم هستید و هر وقت که کاری می کنید، در حقیقت خدمت می کنید.

وقتی مادر زن مریض پطرس توسط عیسی مسیح شفا یافت، او با بهره گیری از هدیه تازه سلامتی اش فوراً "برخواست و مشغول پذیرایی از عیسی شد." (متی ۱۵: ۸) این، آن کاری است که ما باید بکنیم. ما شفا یافته ایم تا دیگران را کمک کنیم. برکت یافته ایم تا برکت باشیم. نجات یافته ایم تا خدمت کنیم و نه اینکه در گوشه ای بنشینیم و منتظر آسمان باشیم. آیا تابحال از خود این سوال را کرده اید که چرا خدا، در همان لحظه ای که فیض او را پذیرفتیم، ما را به آسمان نبرد؟ چرا ما را در دنیای سقوط کرده رها کرده؟ او ما را در اینجا رها کرده تا هدفهای او را عملی سازیم. از لحظه ای که نجات یافته اید، هدف او این است که شما را برای هدفهایش استفاده کند. خدا **خدمتی** در کلیسایش و **مأموریتی** در دنیا برای شما در نظر دارد.

شما دعوت شده اید که خدا را خدمت کنید. وقتی در ایمانتان رشد کرده اید، شاید فکر کرده اید خوانده شدن یا "دعوت" شدن توسط خدا، چیزی است که تنها مبشرین، شبانان یا راهبه ها و دیگر خادمین تمام وقت کلیسا تجربه می کنند، اما کتاب مقدس می فرماید که همه مسیحیان برای خدمت دعوت شده اند (افسیان ۴: ۱؛ همچنین رومیان ۱: ۶-۷؛ ۸: ۲۸-۳۰؛ اول قرنتیان ۱: ۲ و ۹ و ۲۶؛ ۱۷: ۷؛ فیلیپیان ۳: ۱۴؛ اول پطرس ۲: ۹؛ دوم پطرس ۱: ۳ را ببینید). دعوت شما به نجات شامل دعوت شما به خدمت نیز می شد. هر دوی اینها یکی هستند. صرف نظر از شغل و حرفه تان، شما به خدمت **تمام وقت** مسیحی دعوت شده اید. "مسیحی بدون خدمت" دو کلمه متضاد هستند.

کتاب مقدس می فرماید: "خدا ما را نجات داده و به زندگی مقدس فرا خوانده است. این نه به سبب اعمال ما، بلکه به خاطر قصد و فیض خود اوست." (دوم تیموتاؤس ۱: ۹) و پطرس اضافه می کند: "شما ملتای مقدس و قوم خاص خدا هستید تا اعمال و صفات عالی خدائی که شما را از تاریکی به نور عجیب خود دعوت کرده است به همه اعلام نمایند." (اول پطرس ۲: ۹) هر بار که از توانائی های خدادادیتان، برای کمک به دیگران استفاده می کنید، دعوت خود را به کمال می رسانید.

کتاب مقدس می فرماید: "اکنون به آن کسی که پس از مرگ زنده شد تعلق دارید، تا در نتیجه برای خدا ثمری بیاوریم." (رومیان ۷: ۴) چقدر از وقت شما صرف خدمت خدا می شود؟ در بعضی از کلیساهای چین به نوایمانان اینچنین خوش آمد می گویند: "عیسی اکنون یک جفت چشم برای دیدن، گوشهای تازه برای شنیدن، دستهای جدید برای کمک کردن، و قلبی نو برای محبت به دیگران دارد."

یکی از دلایلی که شما می باید به خانواده کلیسائی ببیوندد، این است که دعوت خود را در خدمت به دیگر ایمانداران به روشهای عملی تحقق ببخشید. کتاب مقدس می فرماید: "شما همگی با هم بدن مسیح هستید، اما هر یک به تنهایی عضوی مستقل و ضروری در این بدن می باشید." (اول قرنتیان ۱۲: ۲۷) خدمت شما مطمئناً در بدن مسیح لازم است. می توانید این را از هر کلیسای محلی جویا شوید. هر کدام از ما نقشی داریم که باید ایفاء کنیم و هر نقشی اهمیت دارد. هیچ خدمت کوچکی برای خدا وجود ندارد و همه آنها به یک اندازه مهم هستند.

به همین ترتیب هیچ خدمات ناچیز در کلیسا وجود ندارد. بعضی قابل رؤیت و بعضی پشت پرده است، اما همه باارزش می باشند. در واقع خدمات کوچک و پوشیده گاهی اوقات مؤثرترین می باشند. در خانه ما مهمترین چراغ، چلچراغی نیست که در اطاق نهارخوری آویزان است بلکه چراغ کوچک شبانه است که وقتی نیمه شب از خواب بیدار می شوم، از برخورد پنجه پای من به چیزی جلوگیری می کند. هیچ ارتباطی بین اندازه و اهمیت وجود ندارد. برای ادامه کار، هر خدمتی مهم است، چون همه ما به هم نیازمندیم.

وقتی یک قسمت از بدنتان دیگر نمی تواند کار کند، چه اتفاقی می افتد؟ مریض می شوید و بقیه اعضای بدن شروع به درد کشیدن می کنند. تصور کنید اگر جگر تان تصمیم بگیرد برای خود زندگی کند و بگوید: "من خسته شده ام! من دیگر نمی خواهم بدن را خدمت کنم! من یک سال تعطیلی می خواهم که کمی به خود برسم. من باید آنچه را که برای خودم خوب است انجام دهم! بگذار یک قسمت دیگری از بدن کار مرا به عهده بگیرد." چه اتفاقی خواهد افتاد؟ بدنتان از بین خواهد رفت. امروزه هزاران کلیسا بخاطر مسیحیانی که نمی خواهند خدمت کنند، در حال مرگ هستند. آنها در کنار خط، بعنوان تماشاچی می نشینند، و بدن رنج می کشد.

به شما دستور داده شده که خدا را خدمت کنید. مسیح اشتباه نمی کرد، وقتی فرمود: "چنانکه پسر انسان نیز نیامد تا خدمتش کند، بلکه آمد تا خدمت کند و جانش را چون بهایی به عوض بسیاری بدهد." (متی ۲۰: ۲۸) خدمت برای مسیحیان یک امر اختیاری نیست که ببینیم اگر وقتی پیدا کردیم، خدمت را به برنامه مان ضمیمه کنیم بلکه این مسئله، قلب زندگی مسیحی است. عیسی مسیح آمد "تا خدمت کند" و تا "بدهد" و این دو فعل می باید معرف زندگی شما نیز، بر زمین باشد. مادر ترزا گفته: "زندگی مقدس عبارت است از انجام کار خدا با لبخند."

عیسی مسیح تعلیم داد که رشد مسیحی هرگز در خودش یک هدف نیست. رشد به منظور خدمت است! ما رشد می کنیم تا بتوانیم کاری بکنیم. کافی نیست که فقط یاد بگیریم و یاد بگیریم، بلکه باید به آنچه که می دانیم عمل کنیم و به آنچه ادعا

می کنیم ایمان داریم، اقدام کنیم. **عقیده و ایمان بدون تجلی و ابراز، باعث افسردگی می شود.** مطالعه، بدون خدمت، موجب رکود روحانی می شود. مقایسه قدیمی بین دریای جلیل و دریای مرده، هنوز حقیقت دارد. جلیل دریاچه ای است پر از زندگی، چون آب وارد آن می شود و نیز از آن خارج می شود. در نقطه مقابل آن، در دریای مرده حیاتی وجود ندارد، چون از این دریا آبی خارج نمی شود و راکد شده است.

شاید **آخرین** چیزی که بسیاری از ایمانداران امروزه به آن نیازمند هستند، این است که به مطالعه کتاب مقدس دیگری بروند. آنها خیلی بیشتر از آنچه که عمل کنند، می دانند. آنچه آنها شدیدا" به آن احتیاج دارند تجربیات **خدمتی** است که بوسیله آن، آنها می توانند از ماهیچه های روحانیشان استفاده کنند.

خدمت، درست برعکس تمایل طبیعی ما می باشد. بیشتر اوقات ما مایل هستیم دیگران **"ما را خدمت کنند"** تا اینکه ما **"خدمت کنیم"**. ما می گوییم: "من به دنبال کلیسایی هستم که احتیاجاتم را رفع کند و باعث برکت من شود." و نه اینکه: "من به دنبال جایی هستم که خدمت کنم و برکتی باشم." ما انتظار داریم دیگران ما را خدمت کنند و نه بالعکس. ولی در حین اینکه در مسیح رشد می کنیم، تمرکز زندگی ما باید به طرف زندگی خدمتی بچرخد. پیرو بالغ عیسی مسیح از این سؤال باز می ایستد که: "چه کسی نیاز مرا رفع خواهد کرد؟" و شروع به این سؤال می کند: "چه کسی را می توانم کمک کنم؟" آیا **تابحال** این سؤال را از خود کرده اید؟

آماده شدن برای ابدیت

در پایان زندگیتان بر زمین، می باید در برابر خدا بایستید، و او شروع خواهد کرد به ارزیابی این که چطور در زندگیتان دیگران را خدمت کرده اید. کتاب مقدس می فرماید: **"هر یک از ما باید به خدا حساب پس بدهیم."** (رومیان ۱۴: ۱۲) در باره مفاهیم این مسئله فکر کنید. یک روز خدا زمان و انرژی ای را که برای خود صرف کرده ایم با آنچه در خدمت دیگران بکار برده ایم مقایسه خواهد کرد.

در آن لحظه، تمام بهانه های ما برای خود محوری پوچ و توخالی دیده خواهد شد: "من خیلی مشغول بودم" یا اینکه "من هدفهای خودم را داشتم" یا "من مشغول کار و تفریح و آماده شدن برای بازنشستگی بودم." خدا به تمام این بهانه ها این پاسخ را خواهد داد: "متأسفم. پاسخ غلط بود. من تو را آفریدم، نجات دادم، و خواندم و به تو حکم کردم تا زندگی پر از خدمت داشته باشی. کدام قسمت را متوجه نشدی؟" کتاب مقدس به بی ایمانان هشدار می دهد: **"اما بر خودخواهان... خشم و غضب خود را فرو خواهد ریخت."** (رومیان ۲: ۸) اما برای مسیحیان این به معنای از دست دادن پادشاهی ابدی است.

ما زمانی پر از حیات و زندگی هستیم که به دیگران کمک می کنیم. عیسی مسیح فرمود: **"هر که بخاطر من و بخاطر پیام نجاتبخش انجیل، حاضر باشد جانش را فدا کند، آن را نجات خواهد داد. ولی هر که تلاش کند جانش را حفظ نماید آن را از دست خواهد داد."** (مرقس ۸: ۳۵؛ همچنین متى ۱۰: ۳۹؛ لوقا ۹: ۲۴؛ ۱۷: ۳۳) این حقیقت آنقدر اهمیت دارد که پنج بار در انجیل تکرار شده است. اگر خدمت نمی کنید، شما فقط وجود دارید، اما زندگی به منظور خدمت است. خدا از شما می خواهد که یاد بگیرید دیگران را بدون خودخواهی محبت و خدمت کنید.

خدمت و معنا

شما زندگیتان را فدای چیزی خواهید کرد. آن چیز چه خواهد بود: شغل، ورزش، مشغولیت، شهرت، ثروت؟ هیچکدام از اینها اهمیت و معنای بجای ماندنی و ابدی نخواهند داشت. خدمت، شاهره معنا و مفهوم واقعی است. توسط خدمت، ما معنای زندگیمان را کشف می کنیم. کتاب مقدس می فرماید: **"هر یک از ما معنا و وظیفه مان را بعنوان بخشی از بدن او پیدا می کنیم."** (رومیان ۱۲: ۵ ترجمه آزاد کتاب مقدس)

در حالیکه با هم در خانواده خدا خدمت می کنیم، زندگی ما اهمیت ابدی می یابد. پولس گفت: **"بدن فقط دارای یک عضو نیست، بلکه اعضای گوناگون دارد."** (اول قرنتیان ۱۲: ۱ الف و ۱۹)

خدا می خواهد از شما برای ایجاد تغییری در این دنیا استفاده کند. او می خواهد از طریق شما کار کند. آنچه اهمیت دارد **طول** عمرتان نیست بلکه **اهداء** عمرتان می باشد. نه اینکه چه مدت زندگی کردید، بلکه **چطور** زندگی کردید.

اگر مشغول کار یا خدمتی نبوده اید، چه بهانه ای داشته اید؟ ابراهیم پیر بود، یعقوب ناامن بود، لیه جذاب نبود، یوسف اذیت و آزار دیده بود، موسی لکنت زبان داشت، جدعون فقیر بود، شمشون وابسته بود، راحاب فاحشه بود، داود رابطه با زنی داشت و همه گونه مشکلات خانوادگی، ایلپا می خواست خودکشی کند، ارمیاء افسرده بود، یونس مایل نبود، نعومی بیوه بود، یحیی تعمید دهنده شکسته نفس بود، پطرس بدون فکر قبلی عمل می کرد و عصبی بود، مرتا خیلی نگران بود، زن سامری دارای ازدواجهای شکست خورده زیادی بود، زکی مورد پسند عام نبود، توما شکاک بود، پولس دارای ضعف بدنی بود و تیموتاؤس ترسو و خجالتی بود. اینها همه وصله های ناجور متفاوتی بودند، اما خدا از هر کدام از آنها در خدمت خود استفاده کرد. اگر از بهانه جویی دست بکشید، خدا از شما نیز استفاده خواهد کرد.

نکته مورد توجه: خدمت اختیاری نیست.

آیه حفظی: " زیرا ساخته دست خدا/بیم، و در مسیح عیسی آفریده شده ایم تا کار های نیک انجام دهیم، کار هایی که خدا از
بیش مهیا کرد تا در آنها گام برداریم." (افسیان ۲: ۱۰)

سوالی که باید از خود بکنید: چه چیزی مانع من در پذیرش دعوت خدا برای خدمت به او می شود؟